

پیشینه تاریخی و فرهنگی زیارت در ایران

مانا سلطانپور^۱، امیررضا اصغری^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۰۱/۱۸

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۵/۰۵/۱۰

چکیده

زیارت مکانهای مقدس و منسوب به بزرگان و نیکان یکی از سنتهای فرهنگی ایرانیان است که از دیرباز اهمیت و اعتبار خود را حفظ کرده است. این اماکن در سراسر سرزمین ایران با تنوع موقعیت قومی، جغرافیایی و مذهبی پراکنده‌اند و کمتر شهر و روستایی را میتوان یافت که سهمی از این بناها نداشته باشد. با عنایت به تنوع و گونه‌گونی اماکن مقدس در مجموع می‌توان این اماکن را به قبور سادات، علما، مشایخ و قدمگاه و یا نظر کرده تقسیم بندی نمود. نوشتار حاضر با تکیه بر پژوهش میدانی و بررسی منابع کتابخانه‌ای، مقدمه‌یی است تاریخی، بر تطور زیارت مکانهای مذکور در ایران و تأثیری که از حاصل آن در فرهنگ مردم این کشور ایجاد شده است.

کلید واژگان

زیارت؛ اماکن مقدس پیش از اسلام؛ علویان؛ سادات؛ علما؛ مشایخ

۱. پژوهشگر بنیاد ایرانشناسی، دانش آموخته کارشناسی ارشد ایرانشناسی؛ m.soltanpour1979@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛

amirrezaasghari1980@gmail.com

مقدمه

بی‌تردید یکی از شاخصها و نمادهای بارز فرهنگی ایران معاصر، وجود زیارتگاه‌های فراوان در سراسر کشور و توجه مردم ایران به این مکانها و وجود آداب و رسوم گوناگون مربوط به زیارت در میان آنهاست.

با توجه به تحولات شتابان صورت گرفته در منطقه خاورمیانه در سالهای اخیر و وقوع فجایع گوناگون انسانی و فرهنگی کم‌نظیر و حتی بی‌نظیر در این منطقه باستانی و حساس، ضرورت توجه به ریشه‌های فرهنگی و مذهبی پدیده‌های اخیر را صد چندان کرده است.

بیان مسئله

یکی از بارزترین نمادهای محل اختلاف طرفین درگیری فرقه‌بی که موجب بهره‌گیریهای سیاسی و نظامی و سوء استفاده فراوان آنها و نیز سایر قدرتهای منتفع منطقه‌بی و فرامنطقه‌بی را فراهم آورده است، مسئله مبارزه و تخریب مقابر و زیارتگاه‌های موجود در خاورمیانه، صرف‌نظر از وابستگی به مذاهب و اقوام گوناگون بومی محل، بعنوان مظهر شرک و گمراهی و از آن سو دفاع از حرم ایشان بعنوان مرجع و نماد باورها و اعتقادات مذهبی و ملی است.

در میان نظرات گوناگون اظهار شده از هر طرف، مبنی بر بررسی ریشه‌های پدیده فرهنگی زیارت و وجود بقاع متبرک در ایران (که بطور مستقیم و غیرمستقیم مؤثر و متأثر از وقایع اخیر است)، بررسی بی‌طرفانه این مسئله ضروری بنظر میرسد. مبحث مهم این است که آیا این پدیده، توسط جریان دینی و یا فرهنگی خاص و در مقطع زمانی مشخص و قابل رصد ایجاد شده و یا اینکه چنین پدیده‌بی دارای ریشه‌های عمیق فرهنگی و تاریخی بوده و در طول تاریخ دراز آهنگ این سرزمین، توسط همه اقوام و مذاهب گوناگون ساکن این کشور، بصورتی کاملاً تدریجی روی داده و آیا با توجه به تغییرات رخ داده در شئون مختلف اعم از سیاسی، مذهبی، قومی و غیره، تحول و تطور یافته و با اصول ایشان سازگاری نشان داده است؟

پیشینه پژوهش

تاکنون مطالعات فراوانی در زمینه جنبه‌های گوناگون فرهنگ زیارت، بطور کلی و یا بررسی یک ویژگی خاص در مورد آن انجام شده است. در این نوشتار بهره‌گیری از منابعی مورد توجه بوده است که در عین داشتن اعتبار علمی بالا، به موضوع مورد بحث نیز نزدیک باشد. این موضوع،

بعنوان موضوعی میان‌رشته‌یی، گستره وسیعی از مطالب و منابع جغرافیایی، معماری، مذهبی و تاریخی را دربر گرفته و نگارندگان را ناگزیر به مراجعه به شمار بسیاری از منابع کرده است؛ اما از میان این منابع بی‌شمار، در این قسمت به ذکر منابع و مآخذی میپردازیم که یا بسیار نزدیک به موضوع مورد بحث بوده یا اینکه نگارندگان، بعنوان الگویی در کار خود از آنها بهره جسته‌اند. این منابع را میتوان به دو دسته تقسیم کرد:

- منابعی که مستقیماً به بحث درباره آرامگاه‌ها و اماکن مذهبی پرداخته‌اند؛
- منابعی که غیرمستقیم اطلاعاتی درباره بقاع و اماکن مذهبی موردنظر در اختیار خواننده میگذارند و خواننده برای درک کامل مفاهیم و مباحث مورد نظر خود ناگزیر از مراجعه به این منابع است؛ آثاری در زمینه معماری، جغرافیایی، تاریخی، سفرنامه‌ها، مقالات و غیره در این دسته جای میگیرند.

در بررسی این منابع بمنظور مطالعه ریشه‌های فرهنگ زیارت و بررسی تغییر و تحول آنها در ایران مطالعه‌یی، بشکل کنونی ملاحظه نشد.

ضرورت و اهمیت پژوهش

بطور یقین روشنگری در این حوزه که پدیده فرهنگی زیارت، امری بسیار عمیق و ریشه‌دار در فرهنگ ایران بوده و با وجود همه‌گیری و عمومیت، در تملک و انحصار هیچ گروه، مذهب، نژاد و نظام سیاسی نبوده است، تأثیر بسیار زیادی در جلوگیری از سوءاستفاده ابزاری گروه‌های مختلف از این پدیده فرهنگی در موافقت یا مخالفت با یکدیگر خواهد داشت.

احترام به گذشتگان و بزرگان و زیارت قبور آنان، زمینه‌های بسیار عمیق تاریخی در ایران دارد. آریاییان در فضای باز و مکانهای بلند، نیایشگاه‌های موقتی برپا میکردند که یکی از نیایشهای اصلی آنان یادآوری و احترام به ارواح گذشتگان بود. فردوسی میگوید:

نیا را همی بود آیین و کیش

پرستیدن ایـزدی بود پیش

یعنی دین و آیین ایرانیان اعصار کهن، نیاپرستی بود و هنوز تا پرستیدن ایزدان زمانی در پیش بود (بهار، ۱۳۸۴: ۱۷۲). در مورد ارواح درگذشتگان میبایست به این نکته اشاره کرد که در دوره‌های بعدی این نقش به فروشیها واگذار میشود. در اوستا نقشی برای ارواح پس از مرگ نمی‌بینیم، آنچه می‌بینیم نقش فروشیهاست که در واقع روان مردان و زنان پرهیزگار و پارساست

که بطور جدی و سرسخت در ارتباط با زندگی و جامعه بشری قرار دارند (بهار، ۱۳۸۴: ۳۵۶؛ دوشن گیمن، ۱۳۸۵: ۲۷۳).

در فروردین یشت با نکته‌هایی تازه روبرو هستیم:

اورمزد به زردشت میگوید که از فر و فروغ فروشیهای متقیان است که قدرت وی پابرجاست و اگر نه چنین بود، دروغ نیرو میگرفت و فرمانروایی میکرد و جهان استومند^۱ از آن دروغ میشد (بندهای ۱ تا ۱۲). فروشیها، برکت بخش (بند ۱۵) و جنگاورند (بند ۱۷). این فروشیها به هنگام همسپندم [آخرین گاهنبار] از نزد خداوند بسوی جاهای قبلی خویش بر زمین میشتابند و ده شب پیاپی، آگاهی یافتن را در اینجا به سر میبرند و میگویند:

کدامین کس ما را میستاید؟ کدامین کس سرود ستایش ما را بخواند و ما را خشنود کند؟ کدامین کس ما را با دست بخشدگی، با شیر و پوشاک و یا نیازهایی که بخشش آنها بخشنده را به [دهش] آشه تواند رساند، پذیرا شود؟ نام کدام یک از ما را بستاید؟ به کدام یک از ما این نیازها را پیشکش کند تا او را خوراک ناکاستنی جاودانی بخشد (بندهای ۹۴ تا ۲۵).

و اگر کسی فروشیها را چنین بستاید، فروشیها او را چنین دعا کنند و در حق او به این نکته‌ها عمل کنند:

این خانه از انبوه ستوران و مردان بهره‌مند باد! این خانه از اسب تیز تک و گردونه استوار بهره‌ور باد! این خانه از مرد پایدار انجمن برخوردار باد! ... (بندهای ۴۹ تا ۵۲).
فروشیها برای خانه و سرزمین خویش میجنگند، برای آنجا که خانواده داشته‌اند (بند ۶۷) و فریاد برمی‌آورند: «سرزمین ما باید خرم و سرسبز شود و ببالد» (بند ۶۸).

شهریاران چون از دشمن به هراس افتند از فروشیهای توانا یاری میخواهند (بند ۶۹) و فروشیها اگر از او راضی باشند، او را در ستیز با نیروهای اهریمنی یاری میدهند (بندهای ۷۰ و ۷۱).
آنگاه شهریار را نیرویی پدید آید که نه تیغ خوب آخته، نه گرز خوب نشانه گرفته، نه تیر خوب رها شده، نه نیزه خوب پرتاب شده و نه سنگهای فلاخن با نیروی بازوان انداخته، بدو رسد (بند ۷۲). همچنین در یشت سیزدهم از فروشیها پیش از به دنیا آمدن سخن گفته میشود و از علاقه آنان به نبرد با اهریمن که نشان از نوعی الوهیت برای آنان است (دوشن گیمن، ۱۳۸۵: ۲۷۳).

علاوه برین تقدس ارواح متقیان و پرهیزگاران، عناصر مقدس و مورد احترام و زیارت دیگری

۱. خاکی، جسمانی

نیز در ایران موجود بوده است. از آن جمله، ایزدان باستانی آریاییان که مورد نیایش قرار می‌گرفته‌اند؛ ولی با آمدن زردشت، عصر یکتاپرستی آغاز شد و این ایزدان بشکل فرشتگان و مقدسان درآمدند. وجود ایزدان فرشته شده را از آنجا درمی‌یابیم که آنها در دهکده‌ها و شهرهای دوره هخامنشی و ساسانی معبد داشته و مردم برای کارهای روحانی خود بدان معابد و آتشکده‌ها متوسل میشدند (بهار، ۱۳۸۴: ۴۲۳؛ فرای، ۱۳۶۳: ۱۵۶).

همچنین درختهای همیشه سبز یا خیلی کهن مقدس بوده‌اند. بسیاری از امامزاده‌ها کنار درختهای چنار کهن، درخت کُناَر، درخت سرو کهن یا بصورت مشترک کنار درخت و چشمه آب قرار دارند. بعضی از اینها امامزاده‌اند، بعضی از آنها پیر خطاب میشوند که ظاهراً شکلی از «پئیریکا»^۱ است که در فارسی بشکل پیر^۲ (پری) درمی‌آید (بهار، ۱۳۸۴: ۲۶۱). این پریها، ریشه‌یی در اسطوره فرهنگ ماقبل آریایی فلات ایران نیز دارند که مضمون آنها الهه‌های نباتی است که روی زمین فرود می‌آیند. آنها در نبرد با خشکسالی کشته میشوند و به زیر زمین می‌روند. اینها کهنه‌ترین شکل‌های شهادت الهه‌های نباتی هستند. این مضامین به ایزدبانو و سپس به بی‌بی تبدیل میشوند (همان: ۲۷۹، ۲۹۳).

در میان آثار باستانی در ایران مقبره کوروش در پاسارگاد نیز شاید معروفترین زیارتگاه شخصی در ایران باستان بوده است. چنانکه میدانییم تاجگذاری تمامی شاهان هخامنشی در پاسارگاد انجام میگرفت (گیرشمن، ۱۳۴۴: ۱۷۳) و همواره مراسم قربانی به یاد او انجام میشد.

در دوره‌های بعد از سلسله هخامنشی از ارزش مقبره کوروش اطلاعی نداریم؛ ولی انتساب قبر مادر سلیمان به آن در دوران اسلامی و ساخت مسجد در اطراف آن و نیز حفر محرابی در داخل و نذر و نیازهای مردم اطراف به آن مقبره، نشان از آن دارد که این مکان در تمام دوره‌های پس از هخامنشیان تا سده حاضر، بعنوان مکانی مقدس در میان مردم شناخته شده است. در دو دوره اشکانی و بویژه ساسانی مردگان دفن نمی‌شدند و بنابراین مقبره‌یی نیز از آنها شناسایی نشده است؛ ولی سنت احترام به درگذشتگان در مکانی خاص کماکان موجود بوده است و در روز فروردگان [روز فروردین از ماه فروردین]^۳ بسیاری از زرتشتیان به تپه‌هایی می‌روند که بر فرازشان برج خاموشی است (دوشن گیمن، ۱۳۸۵: ۱۶۵). همچنین کتیبه‌های مزار بسیاری، مرتبط با اواخر دوره ساسانی و ابتدای اسلام در منطقه فارس، مانند کازرون، استخر، بیشاپور و غیره و به تازگی

1. Pairika

۲. اشتقاق کلمه «پیر» از «پئیرکا» مورد قبول همه صاحب‌نظران نیست.

۳. روز نوزدهم فروردین

در خارج از آن حوزه، چون سمیرم، ایلام، خرقان یافت شده است که با توجه به نام متوفی و بکار بردن واژه «دخمک» بر روی و یا کنار استودان در گذشته بوده‌اند (نصرالله‌زاده، ۱۳۸۲: ۵۸۲). پس از ورود اسلام و فتح ایران، سنت زیارت مکانهای مقدس و قبور بزرگان به شیوه‌های گوناگون ادامه یافت. از سویی، همانطور که اشاره شد، بسیاری از مکانهای معنوی قبل از اسلام به اشکال مختلف و با تغییر نام، بعنوان زیارتگاه باقی مانده‌اند. از جمله مقبره بی‌بی‌ها و پیرهای فراوانی که در سرتاسر ایران پراکنده‌اند. برای مثال مقبره بی‌بی‌شهربانو در شهر ری به شهربانو دختر یزدگرد، آخرین شاه ساسانی و همسر امام حسین (ع) و مادر امام سجاد (ع) منتسب است، درحالی‌که هیچ‌یک از کتب مسالک و تواریخ قدیمی اشاره‌ی به این موضوع ندارند (کریمان، ۱۳۴۵: ۱/۴۰۴)؛ جعفریان، ۱۳۸۷: ۱۵۵). همچنین درختها و چشمه‌هایی که در کنار امامزاده‌ها و قدمگاه‌ها قرار گرفته و محلی برای «دخیل بستن» زوارند. همچنین برخی از این اماکن مقدس، بتدریج برای دفن سادات و بزرگان مورد استفاده قرار گرفته و تغییر نام داده‌اند. تعداد کمی از آنها نیز نام قدیمی خود را حفظ کرده‌اند. از جمله در گیلان به نامهایی چون «مزار لاله شوی»، «ساقی‌مزار»؛ «سلطان بزرگوه» و مانند آن برمیخوریم که راه به دوران پیش از اسلام میبرند (دایرةالمعارف تشیع، ۱۳۷۵: ۳/۳۰۱).

مقابر بسیاری از علما، دانشمندان و مشاهیر، بویژه عرفا و مشایخ نیز بصورت زیارتگاه درآمده‌اند. درباره عرفا و مشایخ در جای خود به آنها خواهیم پرداخت؛ ولی در مورد علما و دانشمندان میباید به این نکته اشاره کرد که مقبره بیشتر علمای شیعه تا به امروز باقی است، مانند مقبره ابن بابویه ملقب به شیخ صدوق در شهر ری که از علمای بزرگ شیعه و نویسنده کتابهای بزرگ شیعه از جمله کتاب *من لایحضره الفقیه*، یکی از کتب چهارگانه شیعه است. وی در سال ۳۸۱ هـ.ق و زمان سلطنت آل‌بویه درگذشت و مقبره کنونی او در زمان فتحعلیشاه قاجار ساخته شده است (کریمان، ۱۳۴۵: ۱/۴۲۴)؛ ولی مقبره علمای اهل سنت محو شده و امروز جز بقایای گور چند تن که آن نیز بر عموم ناشناخته است از دیگران هیچ نشانی باقی نمانده است (همان: ۳۸۴). از جمله، مقبره محمدبن حسن شیبانی فقیه بزرگ حنفی که در سال ۱۸۹ هـ.ق در ری مدفون شد و قبر او تا سال ۸۳۲ هـ.ق که شاهرخ تیموری آن را زیارت کرد، بعنوان زیارتگاه پابرجا بوده است (همان: ۴۳۶). مزار منسوب به ابومسلم خراسانی هم در حوالی نیشابور که در دوره‌های قبل از صفویه برقرار بوده و تیمور به زیارت آن شتافته و در دوره شاه اسماعیل ویران و دوباره ساخته شد، در زمان شاه تهماسب صفوی با خاک یکسان شد. مزاری که اکنون در نیشابور، بعنوان مزار طفلان مسلم

وجود دارد، چیزی جز بقایای قبر ابومسلم خراسانی نیست که دوستان ابومسلم، بعدها به نامش ساخته‌اند (جعفریان، ۱۳۷۹: ۲/۵۱۷).

از جمله دیگر قبور تخریب شده علما و دانشمندان اهل سنت در عصر صفوی، میتوان به مقبره ابوحنیفه، پیشوای مذهب حنفی، امام ابی یوسف از بزرگان این مذهب و شاگرد ابوحنیفه و امام یوسف اردبیلی از بزرگان مذهب شافعی اشاره کرد (همان، ۱۳۷۹: ۱/۹۴).

قبور برخی از مشاهیر سیاسی نیز بصورت زیارتگاه درآمده است؛ البته با این تفاوت که نام و شخصیت اصلی صاحب بقعه به مرور زمان فراموش شده و مردم برای آن، شخصیت جدیدی از سادات و اهل بیت ساخته‌اند. از جمله مقبره بی بی زبیده در شهری که امروزه بشکلی مجعول به بی بی زبیده، دختر امام حسین (ع) از شهربانو و همسر قاسم بن الحسن (ع) معروف است که با مادر خود به آن منطقه آمده و وفات یافته است؛ در حالی که این موضوع با اصول منطقی و تاریخی مطابقت ندارد. در واقع، این مقبره (بی بی زبیده)، همسر ملکشاه سلجوقی و مادر برکیارق ولیعهد او بوده است که در نزاع بر سر جانشینی ملکشاه کشته شد و فرزندش برای او مقبره بزرگی ساخت (کریمان، ۱۳۴۵: ۱/۴۲۳). همچنین برجهای خرقان قزوین پیش از آنکه شناخته شوند یکی به امامزاده بی بی زبیده و آن یک به نام امامزاده دیگری معروف بود و ضریح و شجره نامه و کتیبه نیز داشت که هنوز در محل محفوظ است؛ ولی پس از اینکه استروناخ، رئیس مؤسسه ایرانشناسی بریتانیا، آنها را بازشناخت و معرفی کرد، معلوم شد که این مقبره نخست آرامگاه دو تن از امیران سلجوقی (به نامهای تکین بن صدقه و فرزند وی السیزبن تکین که السز تکین خوانده میشد) بوده و در نیمه دوم سده پنجم، بدست معماران زنجانی ساخته شده است (پیرنیا، ۱۳۸۲: ۲۶۹).

همانگونه که در ابتدای فصل آمد، مهمترین عامل زیارت و تقدس مدفن اشخاص، نسبت آنان با بزرگان و مقدسین دین و نیز کرامت و معجزات منسوب به آنان بود. بنابراین سادات و علویان با توجه به نسبت آنها به پیامبر اسلام (ص) و نیز زهد و تقوا و پرهیزگاریشان، همچنین قیام علیه ظلم و شهادت، در زمره بزرگترین مقدسان که قبور آنها محل زیارت و تربت شان مایه شفاعت بود، قرار گرفتند.

در اینجا به ذکر مختصری از حضور علویان و سادات (و نه تشیع که خود مبحث جداگانه‌ای را میطلبد و از موضوع این مقاله نیز خارج است) و تقدس مقابر ایشان میپردازیم.

بجز اخباری مبنی بر حضور امام حسن (ع) و جمعی از اهل بیت علیهم السلام در طی فتح ایران،

بوئژه طبرستان در زمان خلیفه دوم (ابن اسفندیار، ۱۳۲۰: ۱/۶۳) که در صحت آنها تردید وجود دارد، همچنین حضور عده‌یی از شیعیان در سپاه محمد بن اشعث در برابر حجاج یوسف - که در قساوت، بوئژه در حق علویان معروف است - اولین حضور جدی علویان و تقدس و احترام مردم به آنان در ایران، به قیام زید بن علی (ع) و فرزندش یحیی باز میگردد. ایران بطور کل و خراسان و طبرستان بشکل جزء، بدلیل دوری از مراکز قدرت و نبود کنترل دولت مرکزی، بصورت پناهگاه مناسبی برای قیام‌کنندگان درآمده بود.

زید نمایندگانی به ری و خراسان برای تبلیغ فرستاد و یحیی پسر او پس از شهادت پدر از کوفه به مدائن گریخت و پس از آن به ری آمد و بعد از مدتی توقف به خراسان رفت. مردم خراسان بدلیل علاقه وافری که به یحیی داشتند، بعد از اینکه وی از بازداشت بار اول آزاد شد، نزد آهنگری که زنجیرهای یحیی را در اختیار داشت، آمدند و آنها را به مبلغ بیست هزار درم خریدند و سپس زنجیرها را تکه‌تکه کرده و هر یک قسمتی را به قصد تبرک با خود بردند. این به معنی تشیع اعتقادی نبود؛ بلکه بیشتر بدان جهت بود که مردم او را فرزند رسول خدا (ص) میدانستند (جعفریان، ۱۳۸۷: ۱۶۵). پس از شهادت یحیی مردم خراسان عزاداری مفصلی برپا کردند و تمام پسران متولد آن سال را یحیی نامیدند (همانجا؛ زرین کوب، ۱۳۵۵: ۱۵۸) که ذکر آن در کتب تاریخ معروف است. پس از او عبدالله بن معاویه نیز بر ضد امویان خروج کرد و به ایران آمد. پس از استقرار خلافت عباسی نیز سادات و علویان شورش، که گاه بسوی ایران میشتافتند (از جمله یحیی بن عبدالله، برادر نفس زکیه که پس از شهادت برادر به طبرستان رفت) عده‌یی از آنان به شهر قم میگریختند، به این دلیل که قبیله اشعری از اواخر قرن اول در آنجا ساکن شده بودند (همان: ۱۹۰).

یکی از عواملی که در گسترش بقاع امامزاده‌ها نقش زیادی داشته، هجرت امام رضا (ع) به ایران و قبول ولایتعهدی مأمون در مرو بوده است. این هجرت به دو گونه در این امر تأثیر گذاشت: ابتدا بخاطر وجود خود حضرت رضا (ع) و دفن ایشان در طوس و نیز مقدار بسیار زیادی قدمگاه که در طی مسیر هجرت به ایشان منسوب کرده‌اند. از جمله در دزفول، شوش، ارجان، ابرقو، چندین محل در شهر یزد و ده شیر. درختی در روستای باقران نائین وجود دارد که مشهور است، امام رضا در سایه آن غذا تناول کرده‌اند و شاه عباس هم در آنجا بنایی ساخته است و مردم در عاشورا و بیست و یکم رمضان در آن جمع میشوند (همان: ۲۲۷). همچنین حمامها و مسجدهای متعددی در نائین، نطنز، دامغان، نیشابور و غیره وجود دارد که معروف است ایشان در آنها حمام کرده و نماز

گزارده‌اند (مسلماً تعدادی از این مکانها همانگونه که در ابتدا ذکر شد، مکانهای مقدسی بوده‌اند که بعدها به ایشان منسوب شده است).

عامل دوم، مهاجرت تعداد زیادی از علویان و سادات به ایران بود که پس از ولایتعهدی امام رضا (ع) و آسان‌گیری مأمون، بمنظور بهره‌گیری از فرصتهای زندگی در ایران به این منطقه کوچ کردند که معروفترین آنها هجرت حضرت معصومه (س) از مدینه به قم (ساوه) بوده است (همان: ۲۳۵).

با گسترش شیعه در شهرهایی چون کاشان و آوه، تعداد زیادی از سادات نیز به این شهرها مهاجرت کردند (همان: ۲۱۴). از آن جمله میتوان از مقبره امامزاده علی بن امام باقر (ع) به نام مشهد اردهال معروف به «حضرت سلطانعلی» در ۴۲ کیلومتری کاشان نام برد. در دوره سلجوقی این امامزاده در آبادی کامل بوده است (همان: ۲۱۵). همچنین مراسم معروف به «قالی شویان» در این مکان در اولین جمعه بعد از شانزده مهرماه برگزار میشود که عناصر بسیاری از آیینهای ایرانی بویژه مهرگان در آن هویداست (بلوکباشی، ۱۳۸۰: ۸۱-۸۶). به هر روی، مهاجرت سادات مختص شهرهای شیعی نبود و آنان حتی در شهرهایی مثل قزوین یا اصفهان که به تسنن معروف بودند، نیز سکنا میگزیدند و دلیل آن مانند مهاجرت اعراب، رفاهی بود که این شهرها میتوانست برای آنها در برداشته باشند. علاوه برین بنابر سنت ایرانیان، خاندان اهل بیت پیامبر (ص)، در نظر مردم اعم از سنی و شیعه محبوب و محترم بودند (جعفریان، ۱۳۸۷: ۲۳۴).

یکی دیگر از دلایل مهم حضور گسترده علویان و سادات در ایران، نفوذ تشیع و مهاجرت علویان به طبرستان و دیلم بود. این منطقه پس از فتح ایران توسط اعراب، کماکان استقلال خود را حفظ کرد و همواره دور از دسترس خلفا قرار داشت. بنابرین محل مناسبی برای حضور فراریان و دشمنان خلفا از جمله خوارج و شیعیان بود. حضور علویان در این منطقه به گسترش اسلام انجامید و بعلت تفاوت اسلام علوی با اسلام رسمی، خلافت و مقبولیت بستگان پیامبر در نزد ایرانیان، تشیع و بویژه تشیع زیدی در این منطقه گسترش یافت (تاریخ ایران از اسلام تا سلاجقه، ۱۳۶۳: ۳۰۳). با بقدرت رسیدن حسن بن زید علوی در طبرستان از سویی سیل علویان سیل آسا به این منطقه مهاجرت کردند.

تا در این وقت به عدد تعداد اوراق اشجار سادات علویه و بنی‌هاشم از حجاز و اطراف شام و عراق به خدمت او رسیدند، در حق همه مبرت و مکرمت فرمود و چنان شد که هر وقت پای در رکاب آوردی سیصد نفر علوی شمشیر کشیده گرداگرد او کله بستندی (ابن اسفندیار، ۱۳۲۰: ۲۴۳/۱).

عملکرد دیگر علویان، بازسازی و ترویج مقابر بزرگان دین، سادات و علویان بود. این عمل به

نوعی تبلیغ و شعار ترویجی تشیع بشمار می‌آمد و حکومت‌های شیعی یا متمایل به آن، در دوره‌های بعد نیز این کار را ادامه دادند. از جمله محمدبن زید علوی اولین کسی بود که بعد از ویرانی مقابر ائمه توسط متوکل آنها را بازسازی کرد (همان: ۹۵، ۲۲۴). و هر سال سی هزار درم سرخ به مشاهد ائمه و دیگر سادات و اقربای خویش می‌فرستاد (همان: ۹۵).

بدلیل حاکمیت کلی علویان بر مناطق دیلم و طبرستان تا زمان شاه اسماعیل صفوی، حاکمان بعدی طبرستان نیز همین رویه را ادامه دادند. از جمله اسپهبد اردشیربن علاءالدوله از خاندان دوم آل باوند که در زمان او:

از مصر و شام و سواد عراق هر روز دو سه هزار علوی می‌آمدند و جمله به زمستان به طبرستان و از نفقات از طعام و لباس ستندی و به هر وقت که سوار شدی علویان صف‌زده استاده بودند و هرگاه یکی از ناظران اعتراضی میکرد، میگفت که هیچ مگوئید که همه جهان ایشان را جزین درگاه در دیگر نیست. هر چه میخواهند، بدهید و یک نوبت بیست و سه هزار دینار آملی از خزانه بیرون کرد تا به طبرستان و ری، علوی دختران درویش را به علوی پسران درویش دهند. هر سال به مشهد عبدالعظیم دو بیست دینار، مشهد مقابر قریش سیصد دینار، به مشهد فرزندان امام صادق (ع) سیصد دینار، به مشهد امیرالمؤمنین ده هزار دینار، به مشهد امام حسین بن علی (ع) در کربلا شش هزار دینار، به مشهد امام علی بن موسی الرضا (ع) سه هزار دینار و مشهد بقیع هزار دینار (همان: ۲۱۰).

همچنین این حاکمان برای خود نیز آرامگاه ساختند و مقابر آنها تا قرن‌ها زیارتگاه مردم بود؛ البته مقابری از اهل سنت نیز در این منطقه وجود داشته است. از جمله ابوجعفر الثومی، فقیه حنفی از مردم آمل، در رشت به خاک سپرده شد و بارگاه او در محله استادسرای رشت تا اوائل سده زیارتگاه بزرگ رشت بود. این مکان بعدها، بعنوان مقبره یکی از سادات مورد زیارت قرار گرفت و هویت اصلی آن فراموش شد (تاریخ ایران از اسلام تا سلاجقه، ۱۳۶۳: ۱۸۲).

در دوره صفوی سخت‌گیری‌های زیادی نسبت به شیعه زیدیه در شمال ایران صورت گرفت؛ مقابر اشخاص معروف آنها ویران شد یا حداقل تعمیر نگردید تا جایی که آیین زیدی در اوائل قرن یازدهم از شمال ایران برچیده شد. به هر روی، آرامگاه‌های فراوانی از زیدیان در این منطقه وجود دارند و حتی امروز زیدیان یمنی که به ایران می‌آیند، آنان را زیارت میکنند (جعفریان، ۱۳۷۹: ۱/۴۶).

حکومت شیعی آل‌بویه سیاست ترویج تشیع را در پیش گرفت و به نمادهای تشیع توجه زیادی کرد؛ بعنوان مثال مراسم عزاداری و یادبود امام حسین (ع) را حکومت شیعی آل‌بویه ابداع (و یا

احیا) کرد (الشیبی، ۱۳۸۰: ۴۳). در محرم سال ۳۵۲ هـ. ق دسته‌های عزاداری در بغداد به راه افتاد. عزاداری و حرکت دسته‌جمعی هیئت‌های عزا در معابر از عادات قدیم مردم دیلم بود (کرومر، ۱۳۷۵: ۸۰). از جمله این سیاستها، ساخت و احیای مقابر ائمه و سادات بود؛ بعنوان مثال عضدالدوله مقابر ائمه را در کربلا و نجف بسیار آباد کرد (ابن اسفندیار، ۱۳۲۰: ۱/۲۲۶). قبور بسیاری از سادات و امامزاده‌ها در این دوره بنا شد. از جمله مقبره محمد بن جعفر دیباج که در زمان مأمون در استرآباد درگذشت و صاحب بن عباد، وزیر معروف آل بویه، عمارتی معروف به «گور سرخ» بر سر تربت او ساخت و این مکان اکنون معروف و زیارتگاه است (جعفریان، ۱۳۸۷: ۳۰۰). همچنین ساخت مزار حضرت عبدالعظیم حسنی را در ری نیز صاحب بن عباد صورت داده است (همان: ۲۵۰).

کار تبدیل آتشگاه‌های کوچک و متوسط و زیارتگاه‌های مهر و ناهید در شهرها و روستاها که با نام «آدریان» و «درب مهر» و مانند آن خوانده میشد، به بقعه و امامزاده و ساخت بناهای جدید بر مزار امامزاده‌ها و چهره‌های معتبر تاریخی از قرن چهارم رواج بسیار می‌یابد. بسیاری از نیایشگاه‌های کهن با نامهایی چون پیر، مقام خضر، قدمگاه، بابا، شاه، سلطان، شاهزاده و مانند آن با تغییرات یا الحاقاتی جنبه اسلامی و شیعی می‌یابند (دایرةالمعارف تشیع، ۱۳۷۵: ۳/۳۰۱). بسیاری از امامزاده‌های موجود، در اصل برای آرامگاه مسلمانان ساخته نشده و در راستای قبله قرار نگرفته‌اند و گاهی انحراف ضریح نسبت به اضلاع آنها نزدیک نیم‌قائمه است. نمونه آن چند مسجد معروفی است، که محراب آنها کاملاً مایل در دیوار مواجه قبله تعیین شده و با کمال وضوح پیداست که اینگونه بناها در اصل اسلامی نبوده و ایرانیان پس از اسلام آوردن، معبدها و مکانهای مقدس خود را با جزئی تغییر و تعمیر و یا بازپیرایی، بصورت مسجد و آرامگاه بزرگان دین و اشخاص مقدس در آورده‌اند (مانند مسجد گناباد، نیریز، یزدخواست، شهرستانک و بید آخوید) (پیرنیا، ۱۳۸۰: ۲۶۷ - ۲۶۸).

در دوران سلجوقی نیز با آنکه مذهب سنت و جماعت در سراسر ایران حاکم شد؛ ولی سنت احترام به خاندان پیامبر در کنار دیگر بزرگان، مشایخ و عرفا ادامه یافت؛ بعنوان مثال عبدالجلیل قزوینی (رازی) صاحب کتاب *النقض* که خود در عهد سلجوقی میزیست، میگوید:

«در بیشتر بقاع که تربتهای سادات است، سنیان خواب دیده‌اند، چنانچه به بارک‌رب و ساوه و بناهق و باطان‌ری و یرزقا و فارس و بصره و خوزستان» (النقض: ۶۲۹ بنقل از کریمان، ۱۳۴۵: ۱/۳۸۸). در این عصر مقابر و آرامگاه‌های سادات از جمله مجدالملک، وزیر شیعی مذهب سلجوقی (که بر

اساس سر در معتبر مکشوف در حضرت عبدالعظیم، این آرامگاه را مرمت و تعمیر کرده است) آباد شد (دائرة المعارف تشیع، ۱۳۷۵: ۳/۳۰۱) و عبدالجلیل رازی نیز در کتاب *النقض* آورده: وزیر شهید مجدالملک اسعد محمد بن موسی البراوستانی القمی قدس...، با بزرگی و رفعت و قبول و خیرات بسیار فرمودند. چون قبه امام حسن بن علی و زین العابدین و محمد باقر و جعفر صادق به بقیع و مشهد موسی الکاظم و محمد تقی به بغداد و مشهد سید عبدالعظیم حسنی به شهرری (*النقض*: ۲۲۰ بنقل از کریمان، ۱۳۴۵: ۳۸۹/۱).

همچنین گفته شده که مجدالملک، اولین کسی است که گنبدی برای بقعه حضرت عبدالعظیم ساخت (همان: ۳۸۹).

فاجعه هجوم مغول، موجب ویرانی و کشتار سراسری در ایران شد و بسیاری از آرامگاه‌ها و مقابر از جمله حرم حضرت رضا(ع)، مانند دیگر بناها و شهرها و مظاهر تمدن ایران زمین، دستخوش غارت و تاراج این قوم خونخوار قرار گرفت؛ ولی با استقرار حکومت ایلخانی، مغولان نیز به مانند هر حکومت دیگر خود را نیازمند بدست آوردن مشروعیت دیدند. با توجه به این مطلب که قوم مغول با تسخیر و غارت بغداد و نیز قتل خلیفه و براندازی خلافت عباسی، در نظر عموم اهل سنت، به حاکمان نامشروع و غاصب شهره بودند، درصدد جستجوی راه‌های دیگری برای جلب مشروعیت برآمدند. در این میان، دو روش عمده را مغولان در پیش گرفتند:

اول، رجوع به اصل فرقه ایزدی و تقدس سلطنت که زمینه‌هایی بسیار عمیق در فرهنگ ایران داشت که خارج از این بحث است؛ دوم، توجه به ادیان دیگر، مانند مسیحیت و یهودیت. آنها همچنین به مذهب تشیع، بعنوان مذهب مخالف خلافت و متفاوت با مذهب اکثر مردم، توجه داشتند. به این شکل غازان به زیارت قبور ائمه در کربلا و نجف رفت و دست به آبادانی مناطق شیعه‌نشین زد و نهری در قسمت شمالی حله حفر کرد که «نهر غازی» نامیده شد. وی همچنین در شهرهای بزرگی، مانند اصفهان، کاشان و سیواس موقوفات و خالصه‌جاتی وقف کرد که حاصل آن به علویان داده میشد (الشیبی، ۱۳۸۰: ۷۸؛ جعفریان، ۱۳۸۷: ۶۹۲).

توسعه و ترویج مذهب شیعه با بقدرت رسیدن الجایتو و قبول رسمی آن به اوج خود رسید و او علمایی مشهور از جمله علامه حلی را به دربار فراخواند و دست به تعمیر مقابر بزرگان دین زد. برخی حتی گفته‌اند که وی گنبد سلطانیه را برای دفن حضرت علی(ع) ساخت. همچنین در زمان سلطنت پسر او ابوسعید بهادرخان، صندوق حرم عبدالعظیم(ع) را به سال ۷۲۵هـ.ق، وزیر او خواجه نجم‌الدین محمد ساخته است (کریمان، ۱۳۴۵: ۱/۳۹۲).

حمله مغول در قرن هفتم هجری، جدا از ویرانیها و نابودیهایی که به همراه داشت، با ایجاد ساز و کاری متفاوت، فضای نوینی در حوزه دین و مذهب در ایران بوجود آورد. پس از هجوم مغولان و فروپاشی دستگاه خلافت و زوال به نسبت کامل همه مراکز قدرت شرق اسلامی و رواج دیگر ادیان و مذاهب در زیر سایه تساهل مذهبی مغولان، امکان آشتی و سازگاری گروه‌های دیگر و برگشت به مبانی اصلی دین فراهم آمد. مثلاً منشأ شکاف و اختلاف بین مذاهب چهارگانه و مخالفت شدید تسنن و تشیع بر سر مسئله مشروعیت حاکم جهان اسلام بدلیل پیروزی مغولان، اهمیت اصلی خود را از دست داد. در این میان، الهیات رسمی که بدلیل فردگرایی چندان محبوبیت و رونقی نداشت و زمینه سیاسی آن نیز محو شده بود، اهمیت و نفوذ و تأثیر خود را از دست داد. نوعی مذهب مردمی رونق یافت و ویژگیهایی را فراگرفت که ظاهراً در ایام پیشین وجود داشت؛ ولی به سبب خصومت مذهبی تسنن از رواج و رونق بازمانده بود. این ویژگیها عبارت بودند از: مسائلی چون اعتقاد شدید به امر اعجاز و کرامات اولیا و عرفا و رشد روزافزون زیارتگاه‌ها و حتی تکریم و تقدیس علی (ع) پسر عم و داماد حضرت محمد (ص). اعتقاد به ولایت علی (ع) یکی از اصول بنیادی مذهب شیعه است؛ ولی در مذهب مردمی اصولاً چنین جنبه‌یی وجود ندارد. چون حتی مؤمنان سنی نیز به حضرت علی (ع)، بعنوان «امیر المؤمنین» احترام قائل هستند (دانشگاه کمبریج، ۱۳۸۰: ۹).

بدین ترتیب، احترام به خاندان اهل بیت و زیارت آنان و ساخت و توسعه مقابر ایشان روزه‌روز بیشتر میشد، تا آنکه اولین دولت شیعی یعنی دولت سربداران در خراسان، تشکیل شد. این توجه در دوره تیموری نیز افزایش یافت. تیمور با آنکه خود سنی بود؛ ولی نسبت به حضرت علی (ع) ابراز علاقه فراوان نشان میداد (جعفریان، ۱۳۸۷: ۸۱) و آورده‌اند که پس از فتح دوم بغداد، مزار امامان شیعه را در کاظمین و نجف زیارت کرد و پیش از آن قبر امام رضا (ع) را در طوس زیارت کرده بود (الشیبی، ۱۳۸۰: ۱۶۰).

«او به علویان توجه خاصی داشت و در برآوردن حوائجشان اهتمام میورزید و مقام آنان را بزرگ میداشت و مال و جامگی بخشید و در نخستین طبقه جامعه جای داد» (همان: ۱۶۲)؛ البته در این ابراز علاقه تیمور، اهداف سیاسی نیز نهفته بود. از جمله بهره‌گیری از فرهنگ رایج در جامعه که بسیار تحت تأثیر تصوف بود. علاوه برین علاقه زیادی هم به ائمه و سادات در جامعه وجود داشت که به طرفداران آنان شیعه شامی یا سنی اثنی عشری میگفتند. با آنکه صوفیان سنی بودند، به علی (ع) و اهل بیت و سادات احترام بسیار میگذاشتند و اعتقاد بر آن داشتند که برکت و امنیت

نصیب هیچ دولت و کشوری نمیگردد، مگر آنکه علما و سادات در آن رفت و آمد داشته باشند (همانجا).

ادامه این امر موجب درهم آمیختگی تصوف و تشیع شد؛ به نوعی که نحله‌های بسیاری از این مشرب شکل گرفت که حروفیان، مشعشعیان و نوربخشیان از آن جمله‌اند. حرکت خاندان صفوی که سیمای مذهبی ایران را بکلی دگرگون کرد، نیز از همین جریانات بود. در میان طریقه قزلباش، شخص دده یا بابا بعنوان نماینده مرشد کامل، مقدس بشمار می‌آمد و از اینرو، خاک قبر یا غباری که بر اسب او می‌نشست با دقت روییده و جمع‌آوری میشد، چون کراماتی بدان مترتب بود (دانشگاه کمبریج، ۱۳۸۰: ۳۱۵) و لقمه غذای صوفیان، شفابخش بود (همان: ۳۱۸).

به هر روی، به قدرت رسیدن صفویان، تغییرات بسیار گسترده‌یی در عرصه‌های گوناگون حیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران بوجود آورد. یکی از این تغییرات، تلاش وسیع دولت صفوی در گسترش و رونق بناهای مذهبی شیعه و نابودی زیارتگاه‌ها و زاویه‌ها و مقبره بزرگان دیگر مذاهب، بعنوان یکی از راهکارهای مؤثر در تغییر مذهب سراسری ایران بود؛ البته همانگونه که پیشتر اشاره شد، سیر توسعه و آبادی قبور امامزاده‌ها پیش از این آغاز شده بود و بسیاری از شعارهای مذهبی صفویان نیز پیش از آن وجود داشت؛ بعنوان مثال بر روی بدنه شمالی صندوق چوبی امامزاده موسی خروین ساوجبلاغ که تاریخ ساخت آن سال ۹۰۴ هـ.ق است، این بیت درج شده است:

ز مشرق تا به مغرب گرامام است

علی و آل او ما را تمام است

همین بیت که بر صندوق امامزاده زید تهران نیز منقوش است، بعدها شعار مذهبی-سیاسی دودمان صفوی شد که سه سال بعد از ساخت این ضریح بقدرت رسیدند و حتی بر سکه‌های آنان هم نقش بست. این موضوع نشان میدهد که شعارهای یاد شده در مناطق مرکزی ایران نیز رواج داشته و مختص آذربایجان و دربار صفویان نبوده است (سمسار، ۱۳۷۸: ۶۵-۷۰). شاه اسماعیل صفوی خود در عمارت و گسترش قبور ائمه و بنای امامزاده‌ها کوشا بود و در نامه‌یی به شیبک‌خان^۱ اهمیت ساخت و گسترش حرم امام رضا(ع) و دیگر امامزاده‌ها را به وی گوشزد کرد. همچنین

۱. بنیانگذار سلسله ازبکان (۸۵۵-۹۱۶ هـ.ق)؛ ویراستار

او و جانشینانش در توسعه مقبره اجداد خود در اردبیل بسیار کوشا بودند (الشیبی، ۱۳۸۰: ۳۹۲). ولی سیاست توسعه مقبره امامزاده‌ها در دوره شاه تهماسب انجام گرفت. عبدی‌بیک شیرازی از شاعران و دبیران دربار شاه تهماسب میگوید:

رواج دین محمدی و رونق مذهب اثنی‌عشری در زمان سلطنت آن‌عالی حضرت به مرتبه‌یی رسید که زمان مستعد آن شد که صاحب‌الامر لوای ظهور برافرازد (جعفریان، ۱۳۷۹: ۱/۴۹۹). در فرمانی از شاه تهماسب در رجب سال ۹۶۱ ه.ق چنین آمده است:

اما بعد چون یماین توفیقات ربانی و موجب تأییدات یزدانی همواره لوازم همت گردون ارتقا و مراحم توجه خاطر خورشید اعتلای بندگان سلیمان مکان نواب کامیاب سپهر... معروف و معطوف است به رواج و رونق و ضبط و نسق ضرایع مقدسه و حظایر مؤسسه خاندان بلند ایوان نبوت و دودمان عالی ارکان ولایت... و اعوام نفایس اموال و شرایف املاک حلال خود را صرف مصالح مشاهد و مراقد اعلی‌ المراصد ابن طایفه علیّه میگردانند تا به مرتبه‌یی که در هیچ قطری از اقطار آباد معموره و ممالک محروسه آستان با انوار منسوب به هیچ‌یک از این فرقه ابراز نماید؛ الا که مروج به انواع الطاف و معطوف اضعاف اعطاف گشت... (آستانه‌ری: ۸۴-۸۵ بنقل از دائرةالمعارف تشیع، ۱۳۷۵: ۳/۳۰۲؛ کریمان، ۱۳۴۵: ۱/۳۹۰).

بسیاری از امامزاده‌های سراسر ایران در این دوره بازسازی یا ایجاد و به گونه‌یی بی‌سابقه بر تعداد آنها افزوده شد؛ بنحوی که صحت نسب تعداد فراوانی از آنها محل تردید است (دائرةالمعارف تشیع، ۱۳۷۵: ۳/۳۵۳).

از سوی دیگر، بقاع و مشاهد بزرگان دیگر مذاهبی که امکان رقابت با مذهب رسمی را داشته‌اند، ویران میشد.

همانگونه که پیش از این گفته شد، یکی از عوامل اصلی مقبولیت زیارتگاه‌ها تصور نوعی کرامت و ولایت برای شخص مدفون در بقعه یا منسوب بدان بوده است. علاوه برین اعتقاد تشیع، در تفکر عرفانی و صوفیانه نیز حضور پررنگی دارد. بنابراین مقابر عرفا و مشایخ همواره در کنار مقابر ائمه و سادات محل مراجعه و زیارت عامه مردم بوده است. شاید اولین مقبره بسیار مورد احترام شیعیان و صوفیان، به شخص حضرت علی (ع)، بعنوان سرحلقه تصوف و تشیع و پیر صوفیان، بویژه از سده ششم به بعد باز میگردد. پس از ایشان مقبره سلمان فارسی نیز یکی از مزارهای مورد عنایت صوفیه (همچنین شیعه) همواره در نظر عموم مورد توجه بوده است. مزار دیگر عرفا و مشایخ بزرگ و سرسلسله طریقتهای صوفی از جمله بایزید بسطامی نیز محل زیارت

و توجه مردم بوده‌اند.

صوفیان نقش پررنگی در اسلام آوردن ایرانیان بویژه در مناطق دورافتاده روستایی داشته‌اند که در برابر تبلیغات رسمی بمنظور تغییر دین بشدت مقاومت میکردند. موارد متعددی از دعوت این صوفیان که هموطنان خویش را با پرهیزگاری، سابقه شخصی و نصیحت دائمی به اسلام فرامیخواندند و آن را بصورتی اشرافی و آشنا با روحيات و خلق و خوی ایرانیان معرفی میکردند، در تاریخ موجود است. از جمله میتوان به تلاشهای مهم شاذ صوفی از فرقه کرامیه در خراسان، بویژه اطراف نیشابور و نیز شیخ ابواسحق کازرونی، در فارس اشاره کرد (چوکسی، ۱۳۸۱: ۱۱۰، ۱۱۶).

بعد از حمله مغول و تسلط تصوف بر فرهنگ و معارف اسلامی و رواج نوعی اسلام مردمی که به آن اشاره شد، اقبال به زیارت مشایخ و تعظیم و بزرگداشت مقابر و مزارهای آنان بشکل بسیار چشمگیری افزایش یافت، به نوعی که حتی حاکمان و شاهان نیز از زیارت قبور آنان غفلت نمیکردند. از جمله تیمور که بیش از این در مورد توجه و زیارت او نسبت به قبور ائمه و سادات سخن گفتیم، خود خرقة میپوشید و بحضور شیوخ مختلف میرسید و قبر مشایخ را زیارت میکرد و چنانکه وقتی عراق را گشود به واسط رفت تا قبر سید احمد رفاعی را زیارت کند (الشیبی، ۱۳۸۰: ۱۵۸). همین امور در مورد فرزندش شاهرخ و همچنین امرای قرا قویونلو و آق قویونلو نیز ذکر شده است.

مزار بعضی از این مشایخ در دههای مردم مقام والایی داشت. ابن بطوطه که تربت شیخ ابواسحاق کازرونی را در دو منزلی شیراز زیارت کرده بود، میگوید:

از دیرباز عادت بر این بوده است که در اینجا از واردان پذیرایی میکنند، میهمان را دست کم سه روز نگه میدارند. آنگاه اجازه مسافرت میدهند. مسافر حاجتهای خود را به شیخ متصدی زاویه عرضه میدارد و شیخ با ملازمان زاویه که بیش از صد مرید متأهل و صد مرید عزب هستند، حاجت وی را باز میگوید و همگی برای برآورده شدن حاجت وی ذکر میگیرند و قرآن ختم میکنند و به حرمت ضریح شیخ برای وی دعا میکنند و حاجتش به اذن خدا برآورده میشود.

این شیخ نزد مردم چین و هند دارای احترام و مقام بزرگی است و هیچ کشتی از طرف چین یا هند نمی‌آید، مگر آن که هزار دینار نذر آورده باشد که نماینده شیخ دریافت میکند (همان، ۱۹۳: ۱۹۳). آنچه در این مورد قابل توجه می‌نماید، آن است که مشایخ صوفیه بطور عمده و حتی آشکار،

مذهب تسنن داشتند. شیعه بودن دولت صفوی، حتی با پذیرفتن تصوف سنتی قادر به این وضعیت نبود. بنابراین بقعه‌های مشایخ صوفیه را تخریب کردند. این تخریب، همراه با از هم پاشیده شدن سلسله‌های صوفیه بود که رقبای خانقاه شیخ صفی بحساب می‌آمدند و سنی مذهب بودند (جعفریان، ۱۳۷۹: ۲/۵۱۷).

پیش از این در مورد احترام مزار شیخ ابواسحاق کازرونی نزد مردم سخن گفتیم و به همین دلیل شاه اسماعیل قبر او و دیگر عرفای مشهور چون جامی، عین‌القضاة همدانی (که او نیز از عرفای محبوب و از قطبهای جاذبه معنوی بود) را شکافت و جسد آنها را نابود کرد و بنظر میرسد، محقق ثانی شیخ علی کرکی از همین نظرگاه المطاعن المجرمیه فی رد‌الصوفیه را تألیف کرد (الشیبی، ۱۳۸۰: ۳۹۱).

حافظ کربلایی (فوت: ۹۹۷هـ.ق) نوشته است:

«در زمان شاه جم شاه، شاه اسماعیل - انارالله برهانه - همه سلاسل درهم شکست و قبور سلف ایشان را برکنند تا به خلف خود چه رسد».

نائب‌الصدر هم نوشته است:

«جناب شاه اسماعیل به خانقاه‌های اهل سنت که میرسیدند، خراب میکردند (جعفریان، ۱۳۷۹: ۲/۵۱۷).

علامه محمد باقر مجلسی نیز در این مورد میگوید:

جناب شاه اسماعیل به خانقاه‌های مشایخ اهل سنت که میرسیدند، خراب میکردند و حيله و مکرهای ایشان را بر مردم اظهار میفرمودند. از جمله آنها در محله ما سابقاً بقعه‌یی بود که مزار ابونعیم نامی بود از مشایخ اهل سنت ... و ایشان خراب کردند (همان: ۷۹۵).

البته هنوز به مقابر برخی از آنان توجه میشد، کما اینکه قبر بابارکن‌الدین، یعنی رکن‌الدین مسعودبن عبدالله بیضاوی (فوت: ۷۶۹هـ.ق) در اصفهان در دوره شاه عباس اول مرمت شد. علاوه برین چنانکه مجلسی دوم، بنقل از شیخ بهایی آورده، وی شاه عباس را بر سر قبر بایزید بسطامی برده است. طبیعی است که در مواردی که ممکن بود تا به نوعی صاحب مقبره به تشیع متصل شود، احترام به آن و زیارتش آسانتر بود. برای مثال میتوان به بقعه شیخ ابومسعود رازی اشاره کرد که براساس داستانهای شفاهی جانبدار امام علی (ع) بوده است (همان: ۵۲۳).

با تثبیت قدرت صفویان و دوران شکوفایی عصر صفوی، مذهب شیعه هاله‌یی از ملی‌گرایی بر پایه شخصیت‌هایی چون امام هشتم پیدا کرد که کاملترین بیان تشیع ایران با صفات خاص خود

است که مقدر بود این کشور مشهد او گردد. مثنای ایرانی مضمون بنیادی انسانی کامل در الهیات مجلسی امام علی بن موسی الرضا(ع) است. بنابراین زیارت آرامگاه امام و امامزاده‌های بی‌شمار دیگر همیشه با نوعی سرسپردگی ویژه همراه شده و مقام و منزلت اعتقادی زیادی یافته است. این نوع زیارتگاه‌ها بطور نظری هم‌تراز زیارت حج شده و در ذهن عامه، حتی برتر از آن زیارت است. این امر در نتیجه یک سلسله ارزشهای سنتی و دیندارانه است که بیان خود را در امر زیارت مخصوصاً زیارت مشهد مقدس پیدا کرده است (دانشگاه کمبریج، ۱۳۸۰: ۳۳۳). تشیع هنوز در محورهای نجف و کربلای عراق می‌چرخد؛ ولی رسوخ و نفوذ عناصر مردمی عامیانه به ایرانی شدن این مراکز مقدس منجر شده یا بدانجا رسیده که مذهب امامی در جلوه‌های ظاهری خود به مذهب ایرانی تبدیل شود و چنان سنت هماهنگی پیدا کرده که در ایام جدید هم به جلوه‌گری پرداخته است (همان: ۳۳۳).

با سقوط صفویه، بوسیله افغانهای سنی مذهب و آغاز روند هرج و مرج در ایران، توجه به مذهب شیعه و در نتیجه زیارت و عمارت بقاع امامزاده‌ها به کاستی گرایید. نادر توجه زیادی به تشیع نداشت (البته مواردی از توجه به تعمیر، تذهیب، وقف و هدیه قنادیل و وسایل و آلات به مشاهد مقدس عراق و مشهد مقدس بویژه در ابتدای کار او در دست است) (شعبانی، ۱۳۷۳: ۱۰۶) در دوره کریمخان زند نیز جز غلبه اصولیان بر اخباریون اقدام جدی در این باره انجام نشد؛ ولی با روی کار آمدن آغا محمدخان قاجار توجه به مذهب شیعه و تعمیرات بقاع امامزاده‌ها و زیارت آنان در دستور کار قرار گرفت. آغامحمدخان خود به این امر توجه داشت؛ به نوعی که پس از ورود به مشهد مستقیماً به زیارت حضرت رضا(ع) مشرف شد و به تذهیب حرم امامان پرداخت.

در دوره فتحعلی‌شاه، تعمیر بقاع بسیاری از امامزاده‌ها در سراسر ایران (که در طول نزدیک به یکصدسال فترت بعد از سقوط صفویه مورد بی‌توجهی قرار گرفته بودند) انجام گرفت و این امر در حکومت ناصرالدین شاه نیز ادامه یافت. از جمله وی در سال ۱۲۷۰ هـ.ق فرمان تذهیب گنبد و نیز آینه‌کاری ایوان بارگاه عبدالعظیم حسنی را صادر کرد (کریمان، ۱۳۴۵: ۱/۳۹۲) و این امر پس از انقلاب مشروطه تا به امروز همچنان باقی است.

نتیجه‌گیری

سنت زیارت و احترام به مزار بزرگان، با عقاید ایرانیان درهم آمیخته است که به نوعی بخشی از هویت جمعی آنان بشمار میرود و هر دوره زمانی متناسب با شرایط سیاسی، اجتماعی، مذهبی

و فرهنگی تطور یافته و از شکلی به شکل تازه‌یی نمایان شده است. بنابراین همانگونه که از نقد این بخش از فرهنگ ایرانیان به مانند هر جنبه دیگر فرهنگی نباید غفلت ورزید، در عین حال، در مواجهه با این پدیده و تطبیق آن با مسائل و پدیده‌های امروز از هرگونه پیشداوری و تبلیغ و تشویق یا منع و تعقیب براساس علائق مذهبی یا ایدئولوژیک باید اجتناب کرد.

منابع

- ابن اسفندیار، بهاءالدین محمد؛ تاریخ طبرستان، به تصحیح عباس اقبال، تهران: چاپخانه مجلس، ۱۳۲۰.
- الشیبی، کامل مصطفی؛ تشیع و تصوف تا آغاز سده دوازدهم هجری، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۰.
- بلوکباشی، علی؛ قالی‌شویان: مناسک نمادین قالی‌شویان در مشهد اردهال، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۰.
- بهار، مهرداد؛ از اسطوره تا تاریخ، گردآورنده و ویراستار: ابوالقاسم اسماعیل پور، تهران: نشر چشمه، ۱۳۸۴.
- پیرنیا، محمدکریم؛ سبک‌شناسی معماری ایرانی، تدوین: غلامحسین معماریان، تهران: پژوهنده، ۱۳۸۲.
- پیرنیا، محمدکریم؛ آشنایی با معماری اسلامی ایران، تدوین: غلامحسین معماریان، تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۸۰.
- پژوهش از دانشگاه کمبریج؛ تاریخ ایران از اسلام تا سلاجقه، گردآورنده: ر.ن. فرای، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳.
- پژوهش از دانشگاه کمبریج؛ تاریخ ایران دوره صفویان، ترجمه دکتر یعقوب آژند، تهران: جامی، ۱۳۸۰.
- جعفریان، رسول؛ تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا طلوع دولت صفوی، تهران: نشر علم، ۱۳۸۷.
- جعفریان، رسول؛ صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، دوره سه‌جلدی، قم: انتشارات پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹.
- چوکسی، جمشیدگرشاسب؛ ستیز و سازش زرتشتیان مغلوب و مسلمانان غالب در جامعه

- ایران در نخستین سده‌های اسلامی، ترجمه نادر میرسعیدی، تهران: ققنوس، ۱۳۸۱.
- دریایی، تورج؛ ساسانیان، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: ققنوس، ۱۳۸۲.
- دوشن‌گیمین، ژاک؛ دین در ایران باستان، ترجمه رؤیا منجم، چاپ دوم، تهران: علم، ۱۳۸۵.
- زرین‌کوب، عبدالحسین؛ دو قرن سکوت: سرگذشت حوادث و اوضاع تاریخی ایران در دو قرن اول اسلام از جمله عرب تا ظهور دولت طاهریان، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۵.
- سمسار، محمد حسن؛ «صندوق منبت امامزاده موسی»، مجله وقف میراث جاویدان، سال هفتم، شماره چهارم، ۱۳۷۸.
- شعبانی، رضا؛ تاریخ اجتماعی ایران در عصر افشاریه، تهران: نوین، ۱۳۷۳.
- صدرحاج سیدجوادی، احمد؛ فانی، کامران؛ خرمشاهی، بهاء‌الدین؛ دائرةالمعارف تشیع، جلد دوم و سوم، تهران: نشر شهید سعید محبی؛ ۱۳۷۵.
- فرای، ریچارد؛ عصر زرین فرهنگ ایران، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: سروش، ۱۳۶۳.
- کرومر، جوئل ل؛ احیای فرهنگی در عهد آل بویه: انسان‌گرایی در عصر رنسانس اسلامی، ترجمه محمدسعید حنایی کاشانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۵.
- کریمان، حسین؛ ری باستان، جلد اول، تهران: سلسله انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۴۵.
- گیرشمن، رومن؛ ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه دکتر محمد معین، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۴.
- نصرالله‌زاده، سیروس؛ مجموعه مقالات نخستین همایش ملی ایران‌شناسی، تهران: بنیاد ایران‌شناسی، ۱۳۸۲.